

## (بند گلستان)

دشت با صفا و سرسبزی که طول آن شرقی و غربی و بین رشته جبال فیسابور و کوه هزار مسجد و قوعداد در معجم البلدان تالیف یاقوت حموی بعنوان ناحیه یا جلگه طوس ذکر شده (۱) و در این منطقه چهار شهر بفواصلی (دو بزرگ و دو کوچک) قبل از اسلام آباد بوده که دو شهر بزرگ بنام تابران (طایران) نوغان (نوغان) و دو شهرک بنام رادکان و تروغوذ یا تروغبذ (طرقبه) نامیده میشده است و مختصراً بذکر هر یک مبادرت میشود .



۱ — تابران اهم چهار شهر و حاکم نشین ناحیه طوس بوده که در قتل عام لشکر امیر تیمور در سال هفتصد و نود و یک قمری هجری (۲) بکلی ویران شده و خرابه‌های این شهر همان است که

۱ — معجم البلدان چاپ مصر .

۲ — صفحه ۱۷۵ جلد ۶ روضة الصفا چاپ کتابخانه خیام .

امروزه بنام شهر طوس در افواه معروف است و بنای آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی علیه‌الرحمه را در سال هزار و سیصد و سیزده شمس در وسط حصار سابق تابران بنا نهاده‌اند و حال آنکه قبر فردوسی به تصریح چهارمقاله عروضی سمرقندی (۱) در خارج دروازه رزان (دروازه شرقی) تابران واقع بوده است و بسیاری از بزرگان علم و ادب و عرفان و شعر و غیره باین شهر منسوبند که ذکر آنها خارج از مقصد نویسنده و موجب اطاله کلام است.

۲ - نوغان بفاصله تقریبی چهار فرسنگ در مشرق تابران واقع شده و در يك میلی جنوبی آن قریه سناباد وقوع داشته و پس از اینکه در سال دویست و سه قمری مضجع منور و مرقد مطهر حضرت علی بن موسی‌الرضا علیه‌السلام در باغ حمیدین قحطبه طائی واقع در قریه سناباد قرار میگیرد، تدریجاً در اطراف مرقد انور امام علیه‌السلام بقدری آبادی فراهم میگردد که فاصله بین نوغان و سناباد تبدیل بمنازل مجاورین حرم محترم شده و در قرون بعدی قریه سناباد که نام آن بعد از شهادت حضرت به مشهد موسوم شده بطوری وسعت می‌پذیرد که شهر نوغان بصورت یکی از محلات مشهد درآمد و در واقع شهر نوغان به شهر مشهد منضم گردیده و اکنون قریه‌هاست که نوغان در شهر مشهد مستحیل شده است و بزرگان و دانشمندی به نوغان منسوبند که از ذکر آنها خودداری شد.

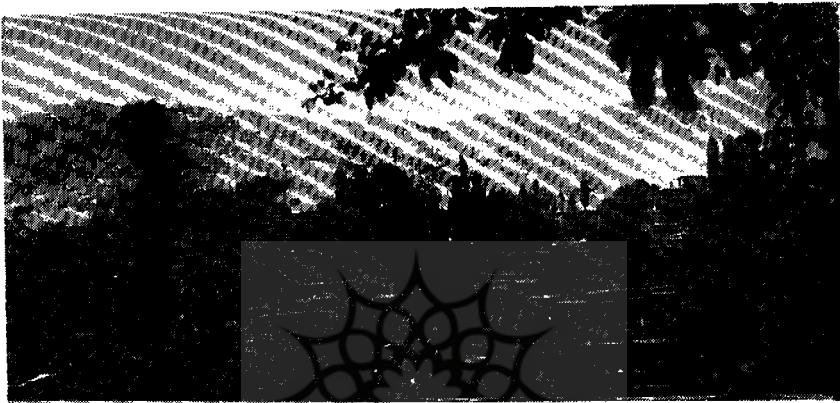
۳ - شهر رادکان در ده فرسنگی غربی تابران و در چهارده فرسنگی غربی نوغان وقوع داشته و اکنون بصورت قصبه کوچکی درآمد و مرکز بلوک رادکان مشهد میباشد.

رادکان مولد خواجه نظام‌الملک طوسی است و عده‌ای از رجال علم برادکان منسوب هستند. سرچشمه کشف رود طوس در چمن‌النگی که معروف به‌النک رادکان میباشد وقوع دارد و مسیر رودخانه مذکور باقدری انحراف از مغرب به مشرق است و آب کشف رود قراء دوطرف رودخانه را سقایت میکند و مازاد آن در فصل زمستان و بهار سرخس میرود. و طول کشف رود تا محلیکه به پل خاتون در ناحیه سرخس به مازاد آب هریرود متصل میگردد در حدود چهل فرسنگ است.

شهر تروغوذ یا تروغذ بفاصله چهار فرسنگ در جنوب تابران و در قسمت کوهستانی جلگه طوس و در سر راه سابق طوس به نیشابور واقع بوده و اکنون بنام ترغبه (طرقبه) معروف و نزدیک ترین بیلاق بشهر مشهد است.

برای مزید توجه خوانندگان عزیز توضیح میدهد که کوه نیشابور واقع در جنوب و قبله جلگه طوس و شمال ناحیه نیشابور یکی از منابع مهم ثروت و سرمایه زندگی هزاران نفر سکنه نیشابور و مشهد و نواحی آن دومین باشد و علاوه بر معادن مختلفی که در طول رشته کوه نیشابور وجود دارد بطور کلی کوه نیشابور سرچشمه و منبع و ماده‌الحویه کلیه آبادیهای بیشتر هر دو جلگه واقع در دوطرف کوه میباشد باین شرح که برف‌های قلال مرتفعه کوه در زمستان ذخیره و در دره‌های

عمیق توده میشود و در فصل بهار و تابستان تدریجاً ذوب شده و در اثر نفوذ آب برفها باراضی مجاور هزاران چشمه بزرگ و کوچک در چندین رودخانه بیلاقی در شمال و جنوب کوه ظاهر میگردد و آب این چشمهها باضافه آبی که از بستر هر دره جریان مییابد در داخل دره‌های متعدد صرف آبیاری اشجار گوناگون هر محل و اراضی مزروعی در دره‌ها میشود و نفوذ آب برفها و رودخانه‌های بیلاقی بعمق بیشتری سبب میگردد که قنوات واقع در جلگه طوس و نیشابور از آبهای زیرزمینی



منظره‌ای از رودخانه جاغرق

بالتبع منتفع گردند و بالطبع آب قنوات هر دو جلگه موجب پیدایش دهات و مزارع سرسبز شده و جلوه خاصی از این جهت بوضع هر دو جلگه بخشیده است و در حقیقت این کوه نیشابور است که جلگه طوس و نیشابور را تا این حد معمور و آباد قرار داده بطوریکه از برکات میاه مختلفه این کوه صدها هزار نفر اعاشه کرده و مستفید میگردند علف این کوه بهترین ریواس ایران و سنگریزه آن فیروزه‌های درخشان است که ظاهراً نظیر آن معدنی در دنیا وجود ندارد .

باریدن برف بکوه نیشابور بقدری در آبهای رودخانه‌های بیلاقی و وضع قنوات هر دو جلگه موثر است که اگر سالی بارندگی کمتر شود قسمتی از قنوات هر دو جلگه کم آب‌یابی آب‌وخشک میگردد و واضح است که آب رودخانه‌های بیلاقی هم متناسب کمی بارندگی نقصان میپذیرد و اهمیت کوه نیشابور را بعبارت دیگری عرضه میدارد و چنانچه کوه نیشابور نمی‌بود جلگه طوس و نیشابور مانند صحرای لوت مرکزی ایران بی‌آب و آبادانی و فاقد سکنه بود .

موقعی که با هواپیما از فراز کوه نیشابور بگذریم رشته کوه مانند ستون فقراتی بنظر میرسد که در دو طرف دارای اضلاع و دنده‌های متعددیست . دنده‌های طرف شمال کوه یعنی جلگه طوس بالنسبه طولانی‌تر و دنده‌های طرف جلگه نیشابور کوتاه‌تر است. در فاصله این دنده‌ها دره‌های سبز و شاداب و خوش هوای بیلاقات دو طرف کوه واقع شده که از حیث مناظر عالی از بهترین

بیلاقات خراسان بشمار میرود در اینجا مناسب نظر رسید که نام دره‌های کوه نیشابور آنچه را بطرف جلگه مشهد و طوس واقع شده بترتیب وقوع از مغرب بمشرق بنویسیم :

۱- دره اندرزی (وقف

سادات رضوی مشهد) .

۲- دره اخلومد که سیب

اخلومد بسیار معروف است

۳- دره آبغد که سرچشمه

رودخانه چناران است .

۴- دره گلکمان که چشمه

سبز واقع در قلّه کوه نیشابور

سرچشمه آن است .

۵- دره کاهی و دولت آباد

۶- دره شاندیز (شاهان دز)

وابرده علیا و سفلی و قریه

زشتک در این دره است .

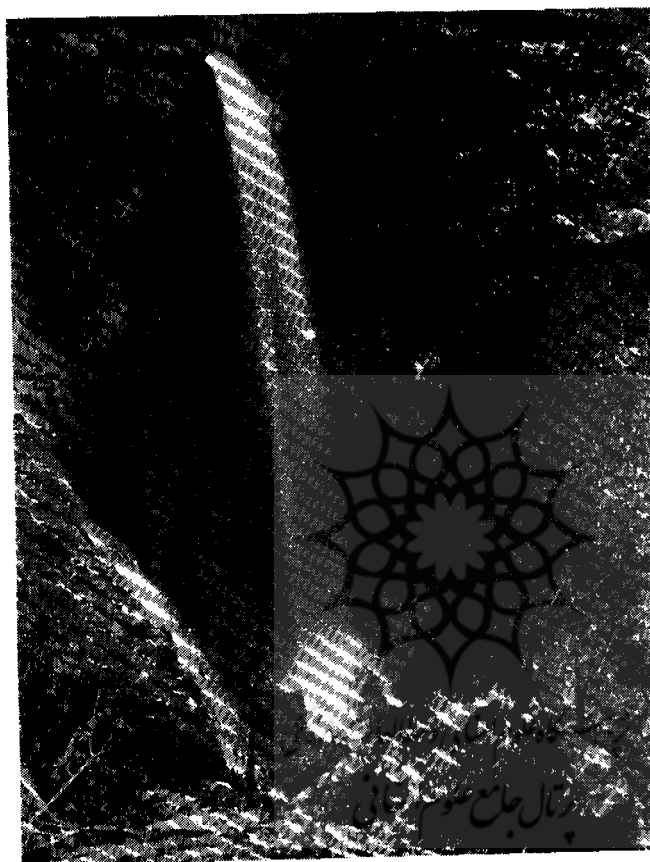
۷- دره نغندر (نوغان دره)

۸- دره ترغبه و انبران

(عنبران) و جاغرق (جاغرق)

۹- دره مایان و ازغد .

۱۰- دره مغان و خانرود



آبشار اخلمد

۱۱- دره پیوه ژن که آلودی آن معروف است .

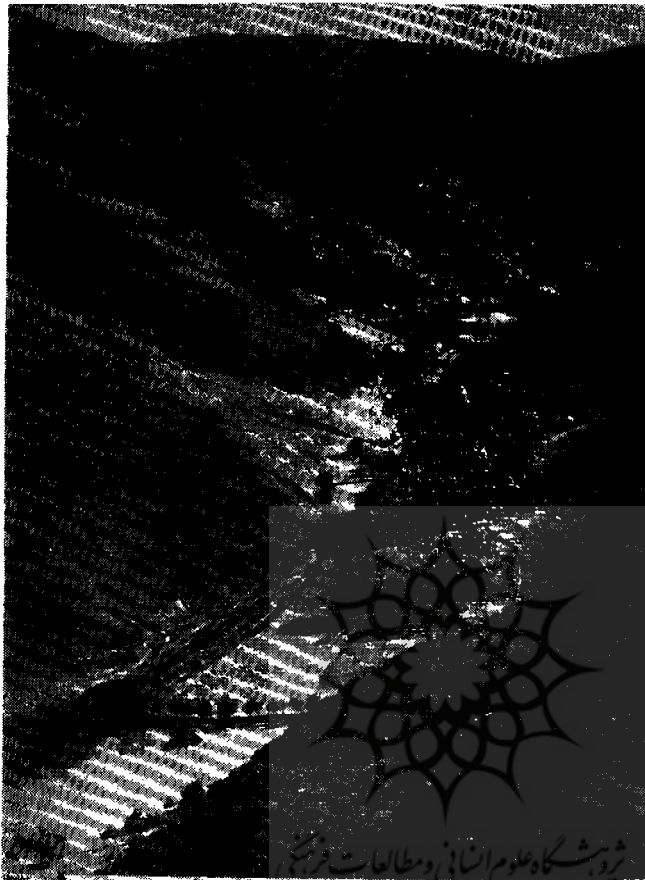
طول بعضی از این دره‌ها بهشش فرسنگ میرسد و غالباً تمام دره از علیای رودخانه که نزدیک به قلّه کوه نیشابور است تا انتهای دره درختکاری شده و احیاناً در بین باغات اراضی مزروعی هم جابجا بچشم میخورد .

برخی از دره‌ها مانند اندرزی و اخلومد و گلکمان دارای یک آبادی قصبه مانند است و در بعضی دیگر چندین آبادی در طول دره دیده میشود از قبیل دره شاندیز که شامل شاندیز و ابرده پائین و ابرده بالا و زشتک میباشد .

باری باتوجه بآنچه تا بحال معروض شده توضیح میدهد که در سه فرسنگی جنوب غربی مشهد بیلاق ترغبه (تروغوذ یا تروغبذ) سابق وقوع دارد و این بیلاق از کلیه بیلاقات دیگر بمشهد نزدیکتر وراه آن اسفالت شده ورفت و آمد وتوجه سکنه مشهد بانجا زیاد است .

در علیای ترغبه قریه انبران (عنبران) وبالاتر از آن فریه جاغرغ واقع شده است و در موازات تقریبی دره ترغبه دره دیگری بنام دره مایان وازغد وقوع دارد و انتهای این دودردبقدری بهم نزدیک میشوند که در قریه حصار واقع درسفلی ترغبه هر دو رودخانه بیکدیگر متصل میشوند بعبارت دیگر اگر دوشاخه ای را فرض کنیم در محل اتصال دوشاخه قریه حصار واقع شده و آبادی های ترغبه وانبران و جاغرغ در شاخه راست دوشاخه ودهات تیش دره وارغوان دره ومایان پائین ومایان درباغ ومایان بالا وازغد در شاخه چپ دوشاخه فرضی وقوع دارد وباز در سفلی قریه حصار قریه دیگری در طول رودخانه واقع گردیده بنام گلستان که بند گلستان در پایان اراضی این قریه بنا نهاده شده است در قرون سابقه که بارندگی زمستان وبهار خراسان بیش ازوضع حاضر بوده ویا بعلت اینکه سکنه دهات بواسطه جنگهای خانمان برانداز ویا اشاعه وسرایت امراض مسری مانند وبا وطاعون وغیره ازین میرفته وباجای دیگری مهاجرت میکرده اند وبالطبع بسبب کمی جمعیت اراضی داخله دره ها کمتر دایر و آباد بوده وهمیشه مقداری از آب رودخانه را در دامنه خارج دره ها بمصرف زراعت میرسانیده اند واز آن جمله دودره ترغبه وازغد بوده که پس از مشروب کردن باغات وارضی مزروعی داخل هر دره مقداری از آب دو رودخانه باراضی خارج دره که معروف باراضی آبکوه است برده میشده وزراعت میگردد است در ازمنه سابقه که شاید بیش از هزار سال باشد آب مذکور را از ساحل راست رودخانه بوسیله نهری که در دامنه کوه های جنوبی مشهد واقع بوده بدشت وارضی آبکوه میبرده وزراعات اراضی اینجارا سقایت میکرده اند .

این نهر که فعلا مخروبه ومتر وکه است بین فلاحین آبکوه بنام نهر مامونی معروف است واحتمال می رود در زمان خلافت مامون عباسی این نهر را احداث کرده باشند چون اراضی زیر نهر مامونی زمینهای ریگی است ومحصول آن چندان قابل نبوده بعدا از نگهداری نهر مامونی منصرف شده و آب رودخانه را بوسیله نهر جدیدی که در وسط دشت واقع است ومشهور به نهر شیشه است برای زراعت اراضی آبکوه عبور میداده اند وعمر این نهر شاید بیش از شش قرن باشد زیرا گوهر شاد بیگم زوجه میرزا شاهرخ بن امیر تیمور گور کانی که در سال ۸۲۹ قمری هجری مزارعی را بر مصارف مسجد جامعی که خود در مشهد بنا کرده بوده وقف قرار میدهد مقداری از اراضی تابعه آبکوه را هم وقف کرده که اراضی مذکور از همین نهر شیشه مشروب میگردد است.



در طول این نهر در  
موقعی که آباد و آبدار بوده  
چندین آسیا ساخته شده بود  
که با آب کوه مذکور در  
گردش بوده و اکنون بواسطه  
اینکه آبی باراضی آب کوه  
نمی‌رسد مدت‌هاست که آسیاهای  
مزبور مخروبه است .

بطوریکه سبق ذکر یافت  
بند گلستان را در پایان  
اراضی قریه گلستان ساخته  
اند و موقعیت بند را در محلی  
قرار داده‌اند که دهانه دره  
طبیعتاً تنگتر شده و در دو  
طرف دره صخره‌های عظیمی  
وقوع دارد که این کیفیت  
بجهت عدیده متناسب با

ساختمان و بند گلستان بوده است .

منظر دای از دره آباد زشک

مصالح بنای آجر و سنگ و ملاط آن مخلوطی از آهک و شن و خاک است و بنا را بطوری  
ساخته‌اند که صخره دیگری در طرف خارج بند واقع شده و این صخره در واقع یک پشته‌بان  
محکمی برای بنای بند میباشد .

روزی باففاق آقای مهندس آفرنده که سرپرستی اصلاحات و تعمیرات ابنیه جامع گوهرشاد  
را عهده‌دار می‌باشند به بند گلستان رفتیم و بنای بند سنجیده شد و اکنون وضع حاضر بنا را بتشخیص  
مهندس مذکور معروض میدارم :

۱ - عرض دهانه بند در پائین و کف بند سی متر و شصت سانتیمتر .

۲ - عرض دهانه بند در بالای سد یکصد و یک متر .

۳ - ضخامت بنا در بالای بند پانزده متر .

۴ - ضخامت بند در پائین سد در حدود بیست و پنج متر .

۵ - ارتفاع بند در حدود پانزده متر .

لبه دیواره طرف مخزن آب بند را شاقولی و صاف چیده‌اند ولیکن لبه دیواره طرف خارج بند را تدریجاً در هر رگ بنا قدری پس‌نشسته‌اند بطوریکه ضخامت بنا که در پائین سد در حدود بیست و پنج متر است در بالای بند رفته رفته بیانزده متر رسیده است و در واقع برای اینکه فشار آب مخزن پشت بند نتواند دیواره بند را خراب نماید بطرف بنای خارج بند پنجه داده‌اند که هرگونه فشاری را خنثی میسازد و حتی جلو دیواره خارج بند و کف رودخانه را تا مساحتی شفته آهکی محکمی کرده‌اند تا موجب مزید استحکام بند باشد و بهمین جهت و تدابیر است که با گذشتن پانصد سال از عمر این بند هنوز بنای بند سالم و محکم و پابرجاست و سالیان درازی هم استقامت در مقابل آب پشت بند و برف و باران را خواهد داشت .

در فاصله بیست و شش متری از طرف راست بند در ضخامت و کلفتی بنا چاهی با آجر تعبیه شده که از این چاه چند مجرای بدیوار داخلی مخزن بند دیده میشود و این مجاری عبارت از درجات بند گلستان میباشد که در موقع بهار و زیادی آب بوسیله نواله‌های بزرگی بسته میشوند و در زمان مضیق آب تدریجاً این مجاری را بازمی‌نمایند و برای رسیدن بمجاری مذکور در دو چاه آجری پلکانی از آجر بطور مارپیچ ساخته شده که بوسیله پله مذکور درجات بند را بسته و باز می‌نمایند در زیر این چاه سوراخ و مجرای دیگری است که سوراخ هر کاره بند نام دارد و در زیر سوراخ هر کاره مجرای دیگر است بنام سوراخ لای کش بند که هر وقت بخواهند لای پشت بند را با آب بدهند آبرای سوراخ لای کش جریان میدهند و با آب دادن لای پشت بند علاوه بر اینکه مخزن پشت بند را توسعه میدهند لای مذکور موجب می‌شود که آب زلال بالای بند مخلوط شود و غلظتی بهم رساند که در این صورت آب مذکور کمتر بزمین آنها جذب و تلف میگردد و زار عین میتوانند آب کوه لای آلود را باراضی دورتری برای شرب زراعت برسانند علاوه لای پشت بند کود بسیار ملایمی برای بارور کردن اراضی زراعتی است .

آجرهائیکه در ساختمان بند بکار رفته دارای دو قالب بوده آجر بزرگتر بعرض بیست و هفت و طول چهل سانتیمتر و کوچکتر بعرض و طول بیست و نه سانتیمتر و قطر هر دو رقم آجرش سانتیمتر می‌باشد بنای بند احتیاج به تعمیر و حفاظت و صیانت دارد و مخزن آب بمرور سنوات از لای پر شده و فقط قسمت بسیار کمی از مخزن قابل استفاده است و بقیه فضای آنرا آب و خاک ولای فرا گرفته است مالکیت بند گلستان در حال حاضر بین موقوفات آستان قدس رضوی و اوقاف جامع گوهر - شاد می‌باشد و مدار آن بر یازده سهم می‌باشد که هفت سهم آن از یازده سهم موقوفه آستانه عرش درجه و بقیه که چهار سهم است وقف بر مصارف جامع گوهر شاد است . ( نامتام )